**١٢٥ - وحدت دین و اتّحاد بشر[[1]](#footnote-1)**

و نیز در لوح خطاب بویکتوریا ملکهٴ انگلیس قوله الاعزّ : " یا اصحاب المجالس فی هناک و دیار اخری تدبّروا و تکلّموا فیما یصلح به العالم وحاله لو کنتم من المتوسّمین فانظروا العالم کهیکل انسان انّه خلق صحیحاً کاملاً فاعترته الامراض بالاسباب المختلفة المتغایرة و ما طابت نفسه فی یومٍ بل اشتدّ مرضه بما وقع تحت تصرّف اطبّاء غیر حاذقه الّذین رکبوا مطیّة الهوی و کانوا من الهائمین و ان طاب عضو من اعضائه فی عصر من الأعصار بطبیب حاذق بقیت اعضاء اخری فیما کان کذلک ینبئکم العلیم الخبیر و الیوم نراه تحت ایدی الّذین اخذهم سکر خمر الغرور علی شأن لا یعرفون خیر انفسهم فکیف هذا الامر الاوعر الخطیر ان سعی احد من هؤلاء فی صحّته لم یکن مقصوده الّا بأن ینتفع به اسماً کان او رسماً لذا لا یقدر علی برئه الّا علی قدر مقدور و الّذی جعله اللّه الدّریاق الاعظم و السّبب الأتمّ لصحّته هو اتّحاد من علی الارض علی امر واحد و شریعة واحدة هذا لا یمکن ابداً الّا بطبیب حاذق کامل مؤیّد لعمری هذا هو الحقّ و ما بعده الّا الضّلال المبین کلّما أتی ذاک السّبب الأعظم و اشرق ذاک النّور من مشرق القدم منعه المتطبّبون و صاروا سحاباً بینه و بین العالم لذا ما طاب مرضه و بقی فی سقمه الی الحین انّهم لم یقدروا علی حفظه و صحّته و الّذی کان مظهر القدرة بین البریّة منع عمّا اراد بما اکتسبت ایدی المتطببّین انظروا فی هذه الایّام الّتی اتی جمال القدم و الاسم الاعظم لحیاة العالم و اتّحادهم انّهم قاموا علیه بأسیاف شاحذة و ارتکبوا ما فزع به الرّوح الأمین الی ان جعلوه مسجوناً فی اخرب البلاد المقام الّذی انقطعت عن ذیله ایادی المقبلین اذا قیل لهم اتی مُصلح العالم قالوا قد تحقّق انّه من المفسدین بعد الّذی ما عاشروا معه و یرون انّه ما حفظ نفسه فی اقلّ من حین "

و در کتاب عهدی است قوله الاعزّ : " مقصود این مظلوم از حمل شدائد و بلایا و انزال آیات و اظهار بیّنات اخماد نار ضغینه و بغضا بوده "

و نیز در لوحی است قوله الاعلی : " باید باسبابی که سبب الفت و محبّت و اتّحاد است تشبّث جویند "

و قوله الاعلی : " ای احزاب مختلفه باتّحاد توجّه نمائید و بنور اتّفاق منوّر گردید لوجه اللّه در مقرّی حاضر شوید و آنچه سبب اختلاف است از میان بردارید تا جمیع عالم بأنوار نیّر اعظم فائز گردند و در یک مدینه وارد شوند و بر یک سریر جالس این مظلوم از اوّل ایّام الی حین مقصودی جز آنچه ذکر شده نداشته و ندارد شکّی نیست که جمیع احزاب بافق اعلی متوجّه‌اند و بأمر حق عامل و نظر بمقتضیات عصر اوامر و احکام مختلف شده ولکن کلّ من عند اللّه بوده و از نزد او نازل شده "

و قوله الاعلی : " بر اهل عالم طرّاً واجب و لازم است اعانت این امر اعظم که از سماء اراده مالک امم نازل گشته شاید نار بغضاء که در صدور بعضی از احزاب مشتعل است بآب حکمت الهی و نصائح و مواعظ ربّانی ساکن شود نور اتّحاد و اتّفاق آفاق را روشن و منوّر نماید امید آنکه از توجّهات مظاهر قدرت حق جلّ جلاله سلاح عالم باصلاح تبدیل شود و فساد و جدال از مابین عباد مرتفع گردد "

1. راه یکی است و آن راه راستی است آن راهی است که از آغاز راه پیروان اوّلیه بود پس تو همواره در راه راستی باش و هرگز از این شاهراه منحرف مشو خواه در موقع سختی و خواه در هنگام راحت این را نیز بدان و آگاه باش گاوان و اسبان خاک گردند زر و سیم بخاک پیوندد و تن نیز مشتی خاک گردد امّا آنکس نمیرد و بخاک نپیوندد و تباهی نپذیرد که راستی و درستی را بستاید و بر طبق آن رفتار نماید ( اردی و یراف ) [↑](#footnote-ref-1)